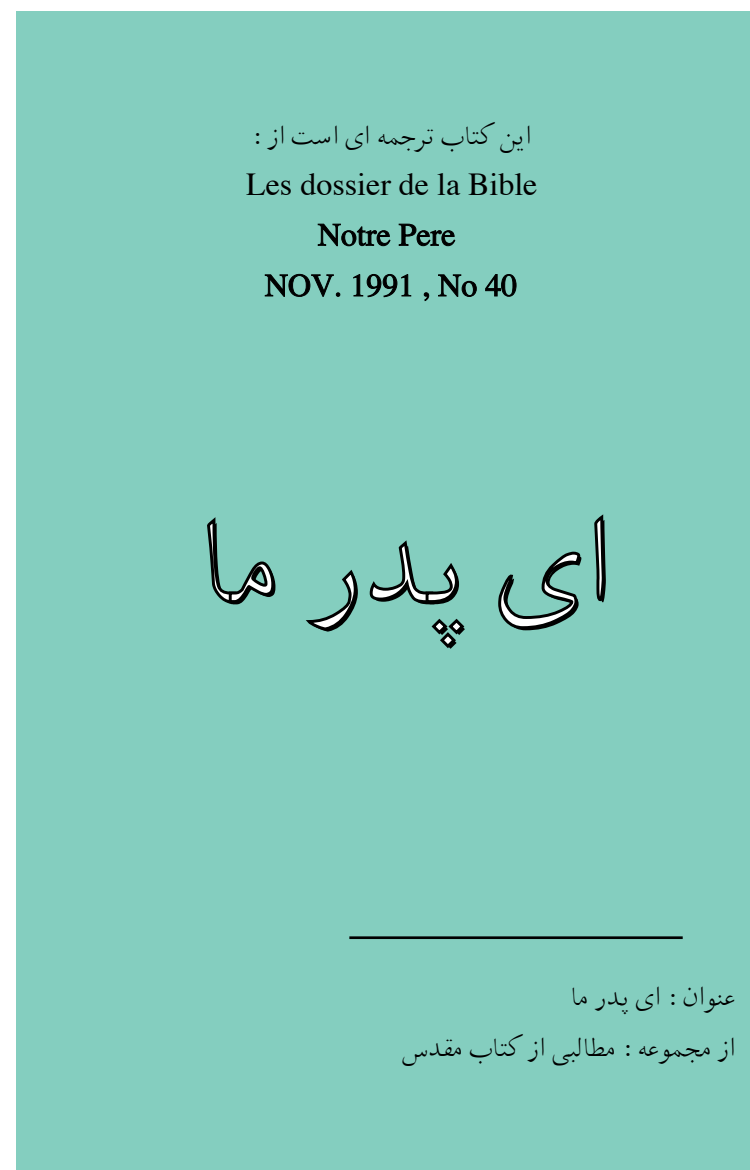




ای پدر ما

سطح مقدماتی



این کتاب ترجمه ای است از :
Les dossier de la Bible
Notre Pere
NOV. 1991 , No 40

ای پدر ما

عنوان : ای پدر ما
از مجموعه : مطالبی از کتاب مقدس

فهرست

| | | | |
|----|--------------------------------------|----|----------------------------|
| ۵ | مقدمه | ۳۳ | دو پدر کلیسا |
| ۶ | دو شکل دعای ای پدر ما | ۳۵ | خدای پدر در عهد عتیق |
| ۱۱ | ای پدر ما و دعای بنی اسرائیل | ۳۸ | دیدگاه های امروزی |
| ۱۴ | عیسی و پدرش | ۴۰ | یادداشت هایی برای تعمق |
| ۱۴ | در رساله های پولس رسول | ۴۰ | خدای پدر در عهد عتیق |
| ۱۵ | در انجیل نظیر | ۴۱ | خدای پدر در امثال |
| ۱۹ | در انجیل یوحنا | | |
| ۲۱ | کلمات دعای ای پدر ما | | |
| ۲۱ | نام تو مقدس باد | | |
| ۲۲ | ملکوت تو بیاید | | |
| ۲۴ | اراده تو کرده شود | | |
| ۲۵ | نان کفاف ما را امروز به ما بده | | |
| ۲۷ | قرض های ما را ببخش | | |
| ۲۸ | ما را در آزمایش میاور | | |
| ۳۰ | بلکه از شریر رهایی ده | | |

دو شکل دعای ای پدر ما

همه ما دعای ای پدر ما را که در راز قربانی مقدس یا دیگر موقعیت ها خوانده یا گفته می شود به خوبی می شناسیم، پدران ما به لاتین **Pater noster** می گفتند. سپس کلیساهای بزرگ، ترجمه واحدی از آن را پذیرفتند. گروه بی شماری از مردم مطلع نیستند که این دعا برگرفته از انجیل متی است و لوقا نیز شکل دیگری از آن را در انجیل خود ارائه داده است. بد نیست کارمان را با مقایسه این دو ترجمه از دعای خداوند آغاز نماییم.

| متی ۶: | لوقا ۱۱: |
|---|--|
| ای پدر ما که در آسمانی، | ای پدر، |
| نام تو مقدس باد، | نام تو مقدس باد، |
| ملکوت تو بیاید، | پادشاهی تو بیاید. |
| اراده تو چنان که در آسمان است بر زمین نیز کرده شود. | |
| نان کفاف ما را، | نان روزانه ما را، |
| امروز به ما بده، | هر روز به ما بده، |
| و قرض های ما را ببخش چنان که ما نیز قرض های ما را ببخش چنان که ما نیز قرضدان خود را می بخشیم. | و گناهان ما را ببخش زیرا که ما نیز همه کسانی را که به ما بدی کرده اند می بخشیم |
| و ما را در آزمایش میاور بلکه از شریرهایی ده. | و ما را از وسوسه دور نگه دار. |

اصطلاحات مشترک بین انجیل متی و لوقا در اینجا با خطوط پیررنگ مشخص شده اند. بدین صورت می توان با کمک این اصطلاحات مشترک، متن واحدی را دوباره پردازی کرد. قطعاً متن این دعا عیناً بر زبان عیسی جاری نشده اند اما

مقدمه

بر لب آوردن دعای ای پدر ما و پدر را دعا کردن، آن گونه که عیسی او را دعا می کرد، دو کار متفاوت است. کلمات دعا که در کودکی حتی پیش از آن که کودک بتواند معانی آنها را دریابد به او آموخته شده و در ذهن حک می شوند و با دیگر کلماتی که اسم «پدر» و چهره پدر را برای هر شخص تداعی می کنند در هم می آمیزند. اما دعا کردن، تنها یادآوری محفوظات نیست که در آن صورت امری کاملاً «حفظی» تلقی می شد، بلکه گفتاری است که از دل سرازیر می شود و مانند تمام کلماتی که از قلب سرچشمه می گیرند باید بی وقفه جان بگیرند، آشکار و عیان شوند و باز در روح القدس، همان چشمه ای که آنها را در ما به فوران می آورد، فرو روند.

این قسمت از سری کتاب های فرازهایی از کتاب مقدس، حول دعای عیسی نگاشته شده است، یعنی از مبدأ آن در دعای بنی اسرائیل تا کلام امروز که روح در ما مولود می سازد. این کتاب تک تک کلمات دعای ای پدر ما را تشریح و به کتاب مقدس، زندگی عیسی و تجربیات مسیحیان مرتبط می سازد.

دو نکته مبهم در انجیل لوقا

لوقا در قسمت مربوطه به درخواست نان، بر کلمه «هر روز» تأکید دارد و آن را عمومیت می‌دهد درحالی که متی تنها نان روزانه را درخواست می‌کند چرا که این دعا، دعای روزانه است. لوقا در دومین درخواست واژه نمادین «قرض‌ها» را با واژه «گناهان» جایگزین می‌نماید و احتمالاً خوانندگانش به مفهوم مجازی واژه که نزد یهودیان کاملاً جا افتاده است پی نخواهند برد.

تسبیح خداوند

متن دعای «ای پدر ما» که بین همه کلیساها مشترک است با «تسبیح» نهایی خداوند و تحلیل جلال (doxa به یونانی) خدا پایان می‌یابد: «زیرا ملکوت و قدرت و جلال تا ابدالابد از آن توست». این ندای تحسین در دست نوشته‌های بی‌شمار متی و در نقل قولی از دعای «ای پدر ما» که در یکی از قدیمی‌ترین نوشته‌های مسیحی، یعنی اعتقادنامه مسیحیت (۲:۸) به جای مانده یافت می‌شود که از آداب نیایشی جوامع مسیحی نشأت گرفته است.

آیین مذهبی کاتولیک، این تسبیح را پس از شورای عالی اسقفان تصویب کرد منتهی آن را پس از دعای کشیش و در پایان دعای «ای پدر ما» قرار می‌دهد: «ما را از شریر رهایی ده...» در کلیسای پروتستان تسبیح و تمجید خدا جزء مکمل دعاست. دعا با این اعلام پایان می‌گیرد که ملکوت خدا تنها یک آرزو نیست بلکه از زمانی که عیسی آن را افتتاح نموده، ملکوت خدا آغاز شده است.

یک دعای تعلیمی

هر انجیل‌نگار، تعلیمی را که در دعای عیسی نهفته است به شیوه خود بیان می‌کند. در انجیل متی عیسی در موعظه‌اش بر سر کوه به شاگردانش و نیز به

طرح آن قابل بحث می‌باشد.

- ابتدا خطابی به خدا که پدر خوانده شده است؛

- سپس دو آرزو (یا تمنا) در رابطه با خدا؛

- و درخواست برای دعاکنندگان.

قابل توجه است که اولین آرزوها، مربوط به خواست‌های خداست و نه خواست‌های ما. دعا‌های ما اغلب از لابه‌لای احتیاجات ما سر برمی‌آورند و به همان‌جا نیز ختم می‌شوند. خدا نیز اگر بتواند این احتیاجات را برآورده سازد، برایمان جالب توجه خواهد بود.

اصول اضافی متی

متن متی عملاً مطالب بیشتری نسبت به متن لوقا در بردارد؛ تعجب آور است که لوقا خود را مجاز دانسته که تکه‌هایی از دعای مختصر و موجز خداوند را حذف نماید. متی متن دعا را پرورانده و سعادت‌های موعود را در ۸ جمله ارائه نموده است درحالی که لوقا آنها را در ۴ جمله بیان می‌کند و تا اینجا متی ۳ مطلب اضافی دارد.

متی قسمتی را که خطاب به پدر می‌باشد با اصطلاح خاص یهودی «در آسمان» همراه کرده است، اصطلاحی که سیزده مرتبه در انجیل او آمده است. البته این موضوع چندان تعجب‌آور نیست چرا که او انجیلش را برای جمعیتی نوشت که از یهودیان جدیدالایمان تشکیل یافته بود. در ادامه دعا، اراده خدا را طلب نموده که دو آرزوی قبل را درباره نام او و درخواست آمدن ملکوت خدا بسط می‌دهد. سرانجام سومین تمنایش را در مورد وسوسه با جمله‌ای در رابطه با رهایی از شریر به پایان برده است. پس متی سه مطلب اضافی خود را در پایان هر بند از دعا آورده است.

سخن وی می باشد. «آبا» واژه ای است که کودک، پدر خود را با آن می نامد: «بابا!!!»

یک مفسر آلمانی که کاربرد این واژه را در متون یهودی مورد مطالعه قرار داده است نتیجه می گیرد: «از نقطه نظر تفکر یهودی، خواندن خدا با این نام بسیار خودمانی، بی ادبانه و غیرقابل باور بود. این امر کاملاً نوین، منحصر به فرد و بی مانند است که عیسی جرأت نموده چنین صمیمانه و همانند کودکی که با پدرش سخن می گوید با سادگی و بدون ترس با خدا سخن گوید. از همان هنگام و بی هیچ شکی معلوم شد که واژه «آبا» که عیسی برای خطاب کردن خدا از آن استفاده می کرد، اساس اتحادش با او را آشکار می کند.

* * *



آبا - ای پدر ، ای بابا

جمعیت حاضر در مورد سه اصل خوب یهودیت یعنی صدقه، دعا و روزه تعلیماتی می دهد (۶:۱-۱۸).

او در مورد دعا می گوید: «مانند امته ا تکرار باطل مکنید» آنان می اندیشند با تکرار کلمات می توانند آن چه را که می خواهند از خدایان بگیرند. پس عیسی برای جلوگیری از این کار ، دعا کردن را به ایشان تعلیم می دهد. به وضوح می توان دید که دعای ای پدر ما دقیقاً در میانه موعظه عیسی بر کوه قرار گرفته یعنی دقیقاً در مرکز تعلیم عیسی جای دارد.

در انجیل لوقا روایتی کوتاه در مقدمه دعا آمده مبنی بر این که شاگردان، عیسی را در حال دعا می بینند پس یکی از ایشان از او می خواهد که همانند یحیی دعایی به شاگردان خود بیاموزد (۱۱:۱). گروه شاگردان عیسی محتاج دعایی خاص بودند تا هرچه بیشتر به یکدیگر شبیه شوند. پس دعایشان می باید همانند دعای سرورشان، آن پسر یگانه، باشد هر چند که هیچ گاه او را در حال دعا با شاگردانش نمی بینیم.

این دعا و تعلیم به هر مناسبت و در هر زمانی که داده شده باشد، صمیمیت عیسی را با کسی که او را «پدر من» می نامد، نشان می دهد. او ما را به ورود در زندگی خدا دعوت می نماید، خدایی که او شاهد بالفعل اوست (دو آرزوی خواسته شده از خدا و برای خدا).

سرانجام ما را به اطمینان به خدا و سپردن جان و احتیاجاتمان به او دعوت می نماید (سه تقاضایی که برای خود می کنیم).

«آبا - پدر!»

سخن عیسی در سه متن عهدجدید یعنی متن مر ۱۴:۳۶؛ روم ۸:۱۵ و غلا ۴:۶ به زبان آرامی حفظ شده است. این خود دال بر شگفتی شاگردان عیسی از

ملکوت تو بیاید

در میان امت ها بگویند «خداوند سلطنت گرفته است... آسمان شادی کند! زمین مسرور گردد!... تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند زیرا که می آید؛ زیرا برای داوری جهان می آید ربع مسکون را با انصاف داوری خواهد کرد و قدمها را با امانت خود (مز ۹۶: ۱۰-۱۳).

باشد که سلطنتش را به زودی زود در ایام شما و در ایام تمام خاندان بنی اسرائیل برقرار سازد.

ای پادشاه ما، از جایگاه خود بر ما سلطنت نما زیرا ما در انتظار تو هستیم. کی بر صهیون سلطنت خواهی کرد؟ از اکنون تا ابدالابد سلطنت خواهی کرد. خداوند تو و تنها تو با محبت و رحمت بر ما سلطنت و داوری نما... خداوند تو متبارک هستی ای پادشاهی که انصاف و عدالت را دوست می داری.

اراده تو چنان که در آسمان است بر زمین نیز کرده شود

در قربانی و هدیه رغبت نداشتی... آنگاه گفتم اینک می آیم در طومار کتاب درباره من نوشته شده است، در به جا آوردن اراده تو ای خدای من رغبت می دارم و شریعت تو در اندرون دل من است (مز ۴۰: ۶-۹).

خداوند، اراده تو بر این قرار گرفت که قدم های ما را به تورات خود رهنمون شوی و ما را پای بند احکامت سازی.

نان کفاف ما را امروز به ما بده

سبزه ها را برای خدمت انسان و نان را از زمین بیرون می آورد... و دل انسان را به نان قوی می گرداند (مز ۱۰۴: ۱۴-۱۵).

تو جانداران را با محبت سیر می کنی، مردگان را به لطف و مرحمت خویش

ای پدر ما و دعای بنی اسرائیل

و اما چند متن نزدیک به متن دعای ای پدر ما :

ای پدر ما که در آسمانی

به درستی که تو پدر ما هستی! اگرچه ابراهیم ما را نشناسد و اسرائیل (یعقوب) ما را به جا نیاورد اما تو ای یهوه، پدر ما و ولی ما هستی و نام تو از ازل می باشد (اش ۱۶: ۶۳).

باشد که دعاها و التماس های تمام بنی اسرائیل توسط پدرشان که در آسمان ها است مستجاب شود.

او را در برابر تمام موجودات زنده تمجید بنما زیرا که او خداوند ما، خدای ما و پدر ماست (طو ۱۳: ۴).

تو ای پدر ما و ای پادشاه ما رحمتت را بر ما ارزانی داشتی... ای پدر ما، ای پدر شفقت، ای رحیم بر ما رحم کن.

نام تو مقدس باد

اسم عظیم خود را که در میان امت ها بی حرمت شده است و شما آن را در میان آنها بی عصمت ساخته اید تقدیس خواهیم نمود و خداوند یهوه می گوید چینی که به نظر ایشان در شما تقدیس کرده شدم آن گاه امت ها خواهند دانست که من یهوه هستم (حزق ۳۶: ۲۳).

باشد که نام عظیم او در جهانی که به اراده خویش آفریده است تقدیس و تجلیل شود. تو قدوس هستی و نام تو قدوس است و مقدسین هر روزه تو را خواهند ستود. خداوند، خدای متبارک تو خجسته ای! ما نام تو را در جهان آفرینش تقدیس می کنیم همان طور که در آسمان برین آن را تقدیس می کنند.

عیسی و پدرش**در رساله های پولس رسول**

پولس رسول اغلب خدا را پدر می نامد (۴۲ مرتبه)، گویی که نام او پدر است. پولس، عیسی را نیز پسر یا پسر خدا می نامد (۱۷ مرتبه) و مسیحیان را پسران یا فرزندان خدا (۱۳ مرتبه) خطاب می کند.

پدر عیسی مسیح

از نظر پولس، خدا قبل از هر چیز پدر عیسی مسیح است. مژده ای که برای رومیان دارد در رابطه با «پسر خود... و به حسب روح قدوسیت پسر خدا به قوت معروف گردید از قیامت مردگان» (روم ۱: ۳-۴). پولس اغلب به رابطه بین پدر- فرزند الهی و نیز به رستاخیز عیسی اشاره می کند. برای مثال او خود را برای غلاطیان این گونه معرفی می کند: «رسول از جانب... عیسی مسیح و خدای پدر که او را از مردگان برخیزانید» (غلا ۱: ۱). این حقیقت که عیسی پسر خداست ثابت شده است، زیرا پدرش او را به قدرت مرگ نسپارد. پدر این منشأ حیات، بدو حیات را در وجود پسر خود ظاهر ساخت.

پدر ما

اما پسر بدین طریق «تبدیل به نخست زاده از برادران بسیار» شد (روم ۸: ۲۹). «به وسیله او هر دو نزد پدر در یک روح دخول داریم» (افس ۲: ۱۸). پولس بی وقفه عبارات «خداوند عیسی مسیح» و «خدا پدر ما» را به خصوص در قسمت سلام و احوال پرسی، تقریباً در تمام رساله هایش به کار می برد گویی این اولین مژده ای است که باید داده شود. در ادامه رساله هایش نیز عباراتی مشابه را

رستاخیز می دهی، حامی افتادگان هستی، بیماران را شفا می دهی و اسرا را آزاد می سازی. ای سرور قادران چه کسی مانند توست؟ خداوندا خدای ما این سال و تمام محصولات آن را برای ما متبارک ساز. ما را با نیکی خود سیراب گردان.

قرض های ما را ببخش چنان که ما نیز قرضداران خود را می بخشیم

اشتباهات دوستانت را ببخش تا گناهان تو نیز در دعایت بخشوده شوند. چنان چه شخصی نسبت به دیگری خشم گرفته باشد چگونه می تواند در طلب شفای خود باشد؟ انسان که بر همنوع خود ترحم ندارد برای اشتباهات خود دست به دعا برمی دارد! (بنسی ۲۸: ۲-۴)

ای پدر ما، ما را ببخش که گناهکاریم، ای پادشاه ما لطفی در حق ما بنما که ما خطا کاریم و تو تنها بخشاینده و آمرزنده ای. خداوندا، تو که آمرزنده و بخشاینده ای متبارک هستی.

و ما را در آزمایش میاور بلکه ما را از شریر رهایی ده

مگو: «خداوند مرا به گناه سوق داد چرا که خداوند از هر آنچه که زشت و ناپسند است دور می باشد». مگو «خداوند مرا گمراه نموده چرا که او با یک گناهکار چه می تواند کند؟» (بنسی ۱۵: ۱۱-۱۲).

خداوندا ما را تسلیم قدرت گناه، اشتباه و وسوسه یا عار و ننگ مساز، مگذار تمایل به شریر بر ما مسلط شود.

بر بی نوایی ما نظر بیفکن و ما را در این مبارزه رهنمون باش. به خاطر نامت ما را بی درنگ از این بلایا رهایی ده چرا که تو رهایی بخش قادری. خداوند، نجات دهنده بنی اسرائیل، تو متبارک هستی.

می‌کند که بنی اسرائیل وارد مرحله جدیدی از ارتباط با خدا شده‌اند و عیسی نیز رابطه پدر فرزندی که رابطه‌ای فراتر از استدلال یهودیت است با خدا برقرار ساخته است.

اناجیل عیسی

نقد اناجیل بر ما ثابت کرده است که تفکیک کلمات عیسی از آنچه که انجیل نگاران و شاگردانشان گفته‌اند هیچ‌گاه سهل و آسان نبوده است. روشن است که نمی‌توان تمام ۱۷۰ مرتبه‌ای را که کلمه پدر در اناجیل آمده است با یقین به عیسی نسبت داد. تکرار کلمه پدر در اناجیل به تدریج فزونی می‌گیرد: ۴ مرتبه در مرقس، ۱۵ مرتبه در لوقا، ۴۲ مرتبه در متی و ۱۰۹ مرتبه در یوحنا. این امر ثابت می‌کند که هر اندازه انجیل نگاران انجیلشان را دیرتر نوشته‌اند توجه بیشتری به این کلمه داشته‌اند اما به نظر می‌رسد که آنها تنها کلمه ابداعی عیسی را که باعث تعجب شنوندگان بوده منتشر ساخته‌اند.

عیسی از خدا همانند پدر سخن می‌گوید

در انجیل لوقا اولین کلام عیسی باعث ایجاد جدایی بین او و پدر و مادرش و موجب به وجود آمدن رابطه‌ای بی‌مانند با خدا می‌شود «مگر ندانسته‌اید که باید من در امور پدر خود باشم» (لو ۲:۴۹). در متی می‌گوید: «پدر شما حاجات شما را می‌داند» (مت ۶:۸). عیسی از خدایی افسونگر یا بوالهوس دوری می‌گزیند تا با خدایی نزدیک، به نزدیکی یک پدر با فرزندان رابطه ایجاد کند. مذهب باید ملاقاتی شخصی با پدری باشد که در آسمان هاست (مت ۶:۱) و نه نمایشی ریاکارانه. خدا از آن‌جا که پدر است دعا و تمنای ایمان‌دارانش را گوش می‌دهد: «چقدر زیاده پدر شما که در آسمان است چیزهای نیکو را به آنانی که از او سؤال می‌کنند خواهد بخشید» (مت ۷:۱۱).

همچون «تنها یک خداست و او پدر همه ماست» و «تنها یک خداوند عیسی مسیح» به کار می‌برد. ما بدان معنی که عیسی پسر خداست، پسر او نمی‌باشیم ولی فرزند خواننده‌های او شده‌ایم و آن هم به توسط کسی که خود را برای گناهان ما به حسب اراده خدا و پدر ما داد (غلا ۱:۴). تمام فیض و برکات از طریق پسر به ما رسیده است.

زندگی کردن به عنوان یک پسر

ما با پسر و توسط او پسران خداییم و بدین ترتیب می‌توانیم در برابر خدا خود را حقیقتاً در برابر یک پدر بدانیم. «از آن رو که روح بندگی را نیافته‌اید که باز ترسان شوید بلکه روح پسرخواندگی را یافته‌اید که با آن آبا یعنی ای پدر ندا می‌کنیم» (روم ۸:۱۵). دعای مسیحیان جز دعای یک پسر نیست. زندگی ما کاملاً با او دگرگون شده، ما با تعمیدمان نسبت به نوع خاصی از زندگی مرده‌ایم تا با مسیح رستاخیز کرده در «تازگی حیات رفتار نماییم» (روم ۶:۴).

سفارشات پولس رسول از همین ایمان و اعتقاد ریشه می‌گیرند. فرزندان خدا به پدر اطمینان می‌کنند، آنان خدایان دیگری نمی‌شناسند و به هر قیمت خواهان شناساندن او می‌باشند و با محترم داشتن دیگران همانند برادران حقیقی با هم زندگی می‌کنند. در یک کلمه برای مسیحیان، محبت بالاتر از هر چیز است (۱- قرن ۱۳). ایمان به پدر عیسی، کاری است برای تمام طول زندگی که باید آن را پذیرفت و با آن زندگی کرد.

در اناجیل نظیر

نامیدن خدا به عنوان پدر نه ابتکار عیسی است در برابر یهودیت و نه ابتکار یهودیت در برابر مذاهب خاور نزدیک. با این همه، خواننده اناجیل حس

بی همتای خدا و عیسی را این گونه بیان می دارد «پدر را هیچ کس نمی شناسد به جز پسر».

آخرین کلام عیسی در انجیل لوقا رابطه فرزندى عیسی را نشان می دهد: «ای پدر روح خود را به دست های تو می سپارم» (لو ۲۳:۴۶). لوقا از این طریق خواست تا در پایان زندگی عیسی، اولین کلام او که نشان دهنده رابطه پدر فرزندى و بی همتای عیسی و خداست را نشان دهد.

در روایت تألم و اندوه عیسی در جتسیمانی که در انجیل مرقس ذکر شده (۳۶:۱۶) از همان کلمه آرامی که عیسی به کار برده است استفاده شده: «ابا، بابا». یک دانشمند آلمانی گفته که این واژه خودمانی که به خدا خطاب شده ویژه عیسی بود. یهودیان از این واژه در دعاهایشان استفاده نمی کنند و بعید به نظر می رسد که مسیحیان جسارت به کارگیری این واژه را داشته باشند مگر این که از خود عیسی آن را آموخته باشند. عیسی اولین شخصی است که جرأت نموده با خدا توسط این واژه کودکانه سخن گوید. این واژه احتمالاً پس از اصطلاح «ای پدر» در سخنان عیسی (مر ۱۳:۳۲؛ مت ۷:۲۱) و نیز دعای او آمده است (مت ۱۱:۲۵-۲۶، ۲۶:۳۹، ۴۲؛ لو ۲۳:۳۴، ۴۶).

میشنا، این پایه و اساس تلمود تأکید دارد که باید با سری فرو شده خدا را خطاب کرد خصوصاً چون روحانیون ایشان پیش از شروع دعا یک ساعت را باید در انتظار می ماندند. اینها جزئیاتی است که بیشتر نشان دهنده بلندمرتبه بودن خداست تا روابط خانوادگی ما با او. این روش عیسی نیست. او خود را با خدا برابر می داند و نسبت خانوادگی شان کاملاً آشکار است.

در مکاشفات مذهب یهود از خدا انتظار می رفت که گناهکاران را تنبیه نماید. عیسی نمی تواند با این ذهنیت حاکم بر افکار مقابله نماید پس با موعظاتی در قالب امثال آنها را رد می کند. روایت پسر گمشده از پدری پریشان سخن می گوید که می گذارد پسر سرکشش از خانه بیرون رود و به هنگام برگشت این پسر با صبر و گذشتی بی پایان بازگشتش را جشن می گیرد (لو ۱۵) (ر.ک. به ص. ۴۲) این روایت ما را به یاد خدای پدر می اندازد، خدای رحیم که عیسی او را در تعلیمات و اعمالش مجسم می کند. مسیحیان وقتی مورد جور و ظلم قرار گرفتند باید به خاطر آورند که «روح پدر شما در شما گوینده است» (مت ۱۰:۲۰).

ندای «ای پدر»، صمیمیت فوق العاده عیسی را با خدا نشان می دهد. عیسی خود را در ردیف کوچکان قرار داده می گوید: ملائکه ایشان دائماً در آسمان روی پدر مرا که در آسمان است می بینند (مت ۱۸:۱۰؛ باروخ ۷:۲۲ و ۱۰:۲۳). و وقتی پطرس ایمانش را به عیسی اقرار می کند عیسی به وی پاسخ می دهد که پدر من که در آسمان است این را بر تو کشف کرده است (مت ۱۶:۱۷). عیسی با گذشتن از دوم شخص جمع (پدر شما) به اول شخص مفرد (پدرم) آبتوت الهی نسبت به تمام شاگردانش را نشان می دهد و در همان حال مدعی رابطه ای شخصی و بی همتا با این پدر می شود.

عیسی خدا را پدر خطاب می کند

عیسی به دفعات خدا را پدر خطاب می کند. در این جا به سه مورد پرمفهوم اشاره می کنیم. وقتی عیسی شاگردانش را انتخاب نمود این گونه دعا کرد: ای پدر، مالک آسمان و زمین تو را ستایش می کنم... (مت ۱۲:۲۵). خدای خالق خدایی است که ملکوت را بر کوچکان آشکار می کند. قسمت پایانی دعا رابطه

پدر من و پدر شما

این انس و الفت عمیق که پدر و پسر را متحد می‌سازد تنها به آن دو محدود نمی‌شود بلکه شامل آنانی است که عیسی ایشان را «دوستان من» می‌نامد: «هم چنان که پدر مرا محبت نمود من نیز شما را محبت نمودم. در محبت من بمانید... چنان که من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام و در محبت او می‌مانم» (۱۵:۹-۱۰).

این دعای عیسی پیش از رنج کشیدنش می‌باشد: «ای پدر اینها شناخته‌اند که تو مرا فرستادی. اسم تو را به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید تا آن محبتی که به من نمودی در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم» (۱۷:۲۵-۲۶).
تن‌گیری، نام حقیقی خدا را به انسان‌ها شناسانید یعنی چهره خدا را به عنوان یک پدر: «زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد» (۳:۱۶). مگر نه این که این محبت برای وارد نمودن انسانها به این رابطه بی‌همتای پدر و فرزندی است؟ پدر بودن خدا به خصوص در محبتی که در تن‌گیری نهفته است مشهود است تا آنجا که آن رستاخیز کرده به برادرانش می‌گوید: «نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما می‌روم» (۲۰:۱۷).

* * *

در انجیل یوحنا

با مطالعه کل کتاب مقدس از اول تا به آخرین صفحه می‌توانیم خدا را کم‌کم بشناسیم. انجیل یوحنا آخرین مرحله این شناخت است چرا که عیسی یعنی کلمه، آخرین کلامی است که خدا آن را در ماهیت یک انسان بیان می‌دارد. عیسی در انجیل یوحنا بیشتر از سایر اناجیل خدا را «پدر» (۱۰۹ مرتبه) و خود را پسر می‌نامد (۳۰ مرتبه). این افزایش یافتن کلمات «پدر و پسر» کار انجیل‌نگار است و این کلمات از سخنان خود عیسی الهام گرفته شده است. «روح راستی» یوحنا را به «راستی کامل هدایت کرد» تا به وی بفهماند که کانون پیام اینجاست و عیسی توسط این کلمات هم هویت خود و هم نام حقیقی خدا را آشکار ساخته است.

پدر و من یکی هستیم

عیسی وقتی از خود سخن می‌گوید تقریباً همیشه منظورش اشاره کردن به پدر می‌باشد که او را فرستاده است (۱۷ مرتبه). برای مثال: خوراک من آن است که خواهش فرستنده خود را به عمل آورم (۴:۳۴)؛ از خود کاری نمی‌کنم بلکه آنچه پدرم مرا تعلیم داد تکلم می‌کنم. او که مرا فرستاد با من است و پدر مرا تنها نگذاشته است زیرا که من همیشه کارهای پسندیده او را به جا می‌آورم (۸:۲۸-۲۹). من و پدر یک هستیم (۱۰:۳۰).

عیسی در جریان آخرین شام در خطابه خداحافظی با علم بر این که «ساعت او رسیده است تا از این جهان به جانب پدر رود...» (۱۳:۱) راز خود را بر شاگردانش آشکار می‌سازد: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید» (۱۴:۶). او در پاسخ به خواهش فیلیپس که «خداوند پدر را به ما نشان ده و ما را کافی است» می‌گوید: «ای فیلیپس در این مدت که با شما بوده‌ام آیا مرا نشناخته‌ای کسی که مرا دید پدر را دیده است» (۱۴:۸-۱۰).

مقدس باد

در زبان عبری ریشه کلمه «قداست، مقدس» به مفهوم «جدا کردن، تمییز دادن» است. آرزوی تقدس نام خدا به نوعی بیان آرزوی احترام به خدا و شناسایی و قبول برتری اوست. انسان قدوسیت خدا را ارج نمی نهد اما قدوسیت او به هیچ وجه به انسان وابسته نیست. خدا در تمام اعمالش قدوس است و این امکان را به انسان نیز می دهد تا او را بستاید و بپرستد همان طور که دعای یهود می گوید: «تو قدوس هستی و نام تو قدوس است. خدایی به غیر از تو وجود ندارد. خداوند تو متبارک هستی ای خدای قدوس».

این اولین آرزوهاست؛ آرزوی دومی نیز هست که نتیجه اش پیداست. قدوسیت خدا دور از دسترس انسان نیست چرا که خدا می خواهد ما مقدس باشیم. «مقدس باشید زیرا که من یهوه خدای شما قدوس هستم» (لاو ۱۹:۲). دعا اشاره ای است به لطف بی حدی که در رساله به افسسیان بیان شده: «متبارک باد خدا... که ما را... برگزید تا در حضور او در محبت مقدس باشیم» (افس ۱:۴).

ملکوت تو بیاید...**پادشاهی خدا**

عیسی، اغلب از ملکوت خدا سخن می گوید که برای درک مفهوم آن لازم است به عهدعتیق و جامعه یهود آن زمان رجوع کرد. بنی اسرائیل همواره در آرزوی فرا رسیدن ملکوت خدا و آمدن پیروزمندانه او و به دست گرفتن حکومت توسط او هستند. اما تجربه پادشاهی در اسرائیل و یهودا اغلب مأیوس کننده بوده است. انبیا برای توصیف این پادشاهی از استعاره های دیگری کمک گرفته اند: «در روز خداوند، خدا تمام امت ها را داوری خواهد کرد» (ار ۲۵؛ حزق ۳۹؛ اش

کلمات دعای ای پدر ما**نام تو مقدس باد...****نام تو**

در مشرق زمین نام، دربردارنده پیام یا یک تعلیم می باشد و ورای یک اشاره ساده بیان گر طبیعت شخص دارنده اسم نیز می باشد. حقیقتاً تمام شرق باستان و کتاب مقدس از این قاعده مستثنی نیستند و نام اشخاص همانند و نام اماکن، مفاهیمی را دربر دارند.

خدا، اغلب در نام گذاری اشخاص میانجی گری می کند: تو به اسم جدیدی که دهان خداوند آن را قرار می دهد مسمی خواهی شد (اش ۶۲:۲). از آن جا که «نامیدن» به نوعی به وجود آوردن می باشد، نشان اقتدار و تسلط نیز هست. توجه به این اصل، احترام خاصی که در جوامع یهودی نسبت به نام خداوند می گذارند و نیز خودداری بنی اسرائیل از تلفظ این نام را توضیح می دهد. بن سیراخ در سال ۱۸۰ پیش از مسیح این چنین پند و اندرز می دهد که: «عادت به نامیدن قدوس نکن» (۹:۲۳). این به جهت احترام به خداست و بدین معناست که همواره باید برای شناخت خدا حد و حدودی قائل شد، حدودی که خود خدا آن را تعیین می نماید.

«اسم عظیم خود را که در میان امت ها بی حرمت شده است و شما آن را در میان آنها بی عصمت ساخته اید تقدیس خواهم نمود و خداوند یهوه می گوید چینی که به نظر ایشان در شما تقدیس کرده شوم آن گاه امت ها خواهند دانست که من یهوه هستم» (حزق ۳۶:۲۳). در اینجا قدرت و نیرویی که خدا برای قوم خود به کار می برد در اسم او به خوبی دیده می شود. «بنابراین قوم من اسم مرا خواهند شناخت و در آن روز خواهند فهمید که تکلم کننده من هستم».

هستیم. ما در آرزوی آن زمان می باشیم که خدا سرانجام کارش را آغاز نماید. ممکن نیست بتوانیم با اراده خود این کار را انجام دهیم. اما می توانیم آمدنش را تسریع نماییم؛ با انتظار کشیدن، با تقویت امیدمان در کنار تمام کسانی که گرسنه و تشنه راستی می باشند.

اراده تو کرده شود...

اراده تو

فقط متی از آرزوی سوم سخن می گوید؛ عیسی نیز در باغ جتسیمانی همان کلمات را گفته بود: «آنچه اراده توست بشود» (مت ۲۶: ۴۲).

از نظر من، این گفته ها، کلماتی هستند که بر روی یک تکه کاغذ نوشته شده اند: «پیش به سوی سرنوشتی نامعلوم! ای پدر اراده تو بشود». این آخرین پیغامی است که از مادر بزرگ محبوبم به جای مانده. او به سوی آشویتس می رفت و هرگز از آن جا بازنگشت. برای چند لحظه ای سکوت کردم و عیسی را در باغ جتسیمانی به یاد آوردم «او به روی درافتاد و دعا کرده گفت: ای پدر همه چیز ممکن است» به سکوت پدر و التماس پسر گوش دهید. «بیدار باشید!» اما در بازگشت ایشان را خفته یافت.

«پدر اراده تو بشود». اما مرگ نمی تواند اراده پدر باشد. انسان ها، یکدیگر را می کشند. حتی بی گناهان را. اراده خدا فقط حیات و نجات است. «من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتیر حاصل نمایند» (یو ۱۰: ۱۰). حزقیال پیشتر گفته بود: «آیا من از مردن مرد شریب مسرور می باشم نی بلکه از این که از رفتار خود بازگشت نموده زنده ماند» (حزق ۱۸: ۲۳). سکوت کردم و به یاد آوردم که قبر بی گناهی که مصلوب شده خالی است.

۲۴). قوم ها بر صهیون جمع شده و به خداوند خواهند گروید (مک ۴: ۱-۷؛ اش ۲: ۲-۴، ۶۶: ۱۹-۲۱). خدا همچون شبانی که گله اش را جمع می کند حکومت می کند و پادشاهیش همواره مملو از صلح و صفا خواهد بود (اش ۹: ۶-۹، ۳۵: ۱-۱۰) هر کس می تواند با ایمان آوردن به آن وارد شود!

مزامیر اغلب اعلام می کنند که خدا پادشاه تمام زمین است و بر امت ها پادشاهی می کند: «به حضور یهوه پادشاه آواز شادمانی دهید... زیرا به داوری جهان می آید ربع مسکون را با انصاف داوری خواهد کرد و قوم ها را به راستی» (مز ۹۶: ۹-۹). نتیجه آمدن خدا داوری و نجات است و ظهور جلال وی. عیسی وقتی پادشاهی خدا را برای شاگردانش توصیف می نماید بیشتر از اعمال خدا سخن می گوید تا محل جریان این اتفاقات. ظهور ملکوت خدا به معنی ظهور خود خداست.

بیاید

این آرزوی دوم در ارتباط تنگاتنگ با اولین آرزوی دعاست یعنی آرزوی تقدس نام خدا. این دو آرزو یک موضوع واحد دارند، ظهور پر جلال خدا. طلب ملکوت خدا آرزوی ظهور جلال و پادشاهی اوست و نیز آرزوی خوشبختی و نجات انسان.

خدا با نشان دادن خود به صورت پادشاه و قدوس، به نیروهایی شریب پایان می دهد نیروهایی که عیسی خود با آنها روبه رو شد و نیروهایی که هنوز فعال می باشند. ملکوت خدا که باید جهان آینده را ایجاد کند به مفهوم آخرین موعد نیروهای شریب می باشد: «برحذر و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود» (مر ۱۳: ۳۳).

ما مترصد اعمال قابل رؤیت خدا در اسرار قلوب و نیز در وقایع تاریخی

به بنی اسرائیل می داد و آنها جز اعتمادشان به خدایی که وعده نان به ایشان داده بود تضمین دیگری نداشتند، پس خواستن نان، روزانه از خدا یک عمل ایمانی است. نان این ثمره تلاش و کار، نشانه پیمان بین خدا و انسان است که باید آن را طلبید.

مزمور آفرینش (۱۵:۱۰۴) از نانی که دل انسان را قوی می گرداند سخن می گوید. به مفهوم کلمات دقت نمایید: قلب به مفهوم باطن، عقل و اراده است. واژه انسان در این جا رابطه اش را با خدا نشان می دهد. پس نان در این جا خوراک باطنی است برای آن که در رابطه با خداست و با او متحد می شود. این نان کدام است؟ این نان کلام خداست! «انسان نه به نان تنها زیست کند بلکه به هر کلامی که از دهان خداوند صادر شود» (تث ۸:۳).

نان عطیه کاملی است که خدا می خواست آن را هم چون یک برکت علاوه بر سایر برکات به همه مخلوقات خود بدهد. همان طور که پایان مزمور ۱۳۶ می گوید: «همه بشر را روزی می دهد زیرا که رحمت او تا ابدالابد است». اما تأیید این مسئله که نان عطیه خداست دلیل نمی شود تا آن را با کسانی که ندارند تقسیم نکنیم بلکه برعکس تقسیم نان با فقرا و غریبه هاست که عمل خدا را ممکن می سازد، ابراهیم به سه مردی که از مقابل چادرش می گذشتند گفت: «بیایید دل های خود را تقویت دهید» (پید ۱۸).

نان امروز

آیا باید نان امروز را طلبید (متی) یا نان هر روز را (لوقا)؟ طلب نان فردا با سخنان و تعلیمات عیسی تناقض دارد: «به فکر فردا نباشید زیرا فردا اندیشه خود را خواهد کرد بدی امروز برای امروز کافی است» (مت ۳۴:۶). این آیه ما را به یاد من می اندازد که «صبح به صبح» جمع آوری می شد (خروج ۱۶:۲۱).

چنان که در آسمان است بر زمین نیز کرده شود

آسمان محل حکومت خداست جایی که خدا بدون منازعه در آن پادشاهی می کند (مز ۱۰۳:۱۹-۲۱) درحالی که بر روی زمین نیروهای شریر علیه خدا و فرزندان او قد علم کرده اند. اوریجن در قرن سوم معتقد بود که این عبارت با سه آرزویی که در مورد نام، پادشاهی و اراده خدا می باشد متناسب است، آرزوهایی که به صورت جزئی در زمین تحقق یافته اند.

کلمه آسمان در این قسمت ها «ای پدر ما که در آسمانی... چنان که در آسمان است بر زمین نیز»: در برگیرنده همه آرزوی دعا است و ما را دعوت می کند که به آسمان توجه نماییم در حالی که دست ها را بالا می بریم، تا زمین نیز جایی شود که خدا به تنهایی در آن پادشاهی نماید. هیچ گونه آرزویی برای رفتن به جهانی بهتر دیده نمی شود و فقط همان آرزوی عیسی باقی است: «من آمدم تا آتشی در زمین افروزم پس چه می خواهم اگر الان در گرفته است» (لو ۱۲:۴۹).

نان کفاف ما را امروز به ما بده...

نان کفاف ما

وقتی از نان سخن به میان می آید اغلب به غذا، خوراک، مشارکت و فراوانی یا به گرسنگی، قحطی و روزه... خلاصه به واقعیت های اساسی حیات می اندیشیم. نان از همان آغاز تمام مفاهیم را آشکار کرده است: «به عرق پیشانیت نان خواهی خورد» (پید ۳:۱۹)؛ نان ثمره کار انسان و محصول زمین است همان طور که در مراسم راز قربانی مقدس نیز گفته می شود. وقتی ملکبصدق برای تبرک ابرام آمد با خود نان و شراب به نشانه پیمان و مشارکت آورد (پید ۱۴:۱۸). بعدها خدا در صحرا «نان آسمانی» را به بنی اسرائیل داد، منا که تنها کافی بود آن را جمع کنند (خروج ۱۶). اما خدا، منا را روز به روز

چنان که ما نیز می‌بخشیم

متی در دو آیه بعد، بر ارتباط بین بخشش خدا و بخشش انسان تأکید فراوان دارد (۱۴:۶-۱۵). ابتدا در قسمت سعادت‌های موعود: خوشا به حال رحم‌کنندگان زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد (۷:۵)، و سپس در دعوتی که برای به تأخیر انداختن گذراندن قربانی در معبد به عمل می‌آورد: «رفته اول با برادر خویش صلح نما» (۲۳:۵-۲۴) که برای طرز فکر آن دوره بسیار عجیب بوده است. کمی دورتر این هشدار به چشم می‌خورد: «زیرا بدان طریق که حکم کنی بر شما نیز حکم خواهد شد» (۲:۷). سرانجام یک مثل کاملاً این موضوع را روشن می‌سازد که چنان چه کسی که دیونش را بخشیده‌اند به نوبه خود از ته قلب دیگری را نبشخند حتی نخواهد داشت (۱۸:۲۳-۲۵).

قرضداران خود را

بخشش لازمه زندگی دسته‌جمعی است. بخشش باعث افتخار انسان است. برای پی بردن به مفهوم بخشش باید شخصاً آن را تجربه کرد. اما انسان‌ها به شکل خدا آفریده شده‌اند و به خداوند شباهت دارند و دعوت شده‌اند تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوند (مت ۵:۴۵). بخشیدن، عبارت از باور کردن این دعوت و پاسخ به آن است، باور کردن زندگی نوین برای خود و دیگران، بدین طریق می‌فهمیم که بخشش نیز باید به صورت روزانه درست به مانند نان طلبیده شود.

ما را در آزمایش میاور...

متن یونانی می‌گوید ((ما را وارد آزمایش مساز)) نگذار تسلیم آزمایش شویم. ترجمه کنونی می‌گوید ما را در آزمایش میاور گویی که خدا انسان را آزمایش

شاگردان عیسی حداقل به اندازه بنی اسرائیل می‌توانند در اطمینان پدر و فرزند و در وفاداری پدر نسبت به وعده خود به سر برند. «اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد» (مت ۶:۳۳).

قرضهای ما را ببخش...

بخشش در اولویت دوم نیازهای بشر قرار دارد؛ بخشش خدا و بخشش انسان گرد هم می‌آیند گویی بخشش خدا به بخشش انسان دو روی یک حقیقت واحد هستند.

ما را ببخش

آن جا که متی از قرض و لوقا از گناهان سخن می‌گوید دعای آیین پرستشی از واژه توهین استفاده می‌کند. در واقع در زبان عیسی هر کلمه مفاهیم گوناگون خود را دارد. قرض برای ما به اعتبار مربوط می‌شود و به همین خاطر برای ما دشوار است مفهومی را که این کلمه در قرن اول برای فلسطینیان داشته دریا بیم. مثل بدهکار بی‌رحم نشان می‌دهد که امکان داشته یک نفر با همه اعضای خانواده اش به غلامی فروخته شود (مت ۱۸:۲۳-۲۵).

در ایمان یهود، قرض به خدا از زمان‌های دور شناخته شده است و طلب بخشش جزء اساسی دعا را تشکیل می‌دهد؛ مزامیر زیادی این گفته را تأیید می‌کنند. انسان در برابر خدا گناهکاری بی‌رحم است. البته مسلم است که او برای گناهانش قربانی می‌دهد اما از خدا می‌خواهد که او را «به خاطر اسم خود» (مز ۱۱:۲۵) ببخشد چرا که خدای رحیم و رؤوف و دیرخشم و کثیر احسان و باوقاست (خروج ۶:۲۴).

عیسی در جتسیمانی

روایات آزمایش عیسی که اناجیل نظیر در همان ابتدای فعالیت عیسی شرح می دهند یعنی بلافاصله پس از تعمیدش، اهمیت انتخابی را که آدمی می بایست انجام می داد و باز هم انجام دهد تا به اراده پدرش وفادار بماند و ادامه مبارزه روزانه اش برای آمدن ملکوت خدا را ادامه دهد نشان می دهد. در ابتدای شرح و زحمات عیسی روایت درد و رنج وی در باغ جتسیمانی انتخاب و جبهه گیری نهایی عیسی علیه شریر را نشان می دهد. او در برابر مرگ که بسیار آن را نزدیک حس می کند ترسان و مضطرب است: «ابا، پدر همه چیز در نزد تو ممکن است، این پیاله را از من بگذران لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو». سپس به شاگردانش می گوید: «بیدار باشید و دعا کنید تا در آزمایش نیفتید

عیسی، پطرس را آگاه ساخته بود: «ای شمعون اینک شیطان خواست شما را چون گندم غربال کند لیکن من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود» (لو ۲۲: ۳۱-۳۲). در برابر خطر، رنج یا مرگ که فریاد انسان را بلند می کند «خدای من چرا مرا ترک کردی» چه کسی می تواند از نیرویش مطمئن باشد؟ تنها قدرت خداست که می تواند ایمان دار را حفاظت نماید، درست مثل خود پسر؛ یا در مقابل نیروهای شریر که ایمان شخص را متزلزل می سازند. اما مگر دعای توأم با اطمینان و یا تضرعات، نوعی پیروزی ایمان بر ترس و عمل روح القدس نمی باشد؟

بلکه از شریر رهایی ده...

متی، آخرین آرزو و خواهش این دعا را با عبارتی مثبت بسط داده، تکمیل می کند. رهایی از شریر توسط خدا، از تمام آنچه که باعث شرارت می شود. اما شریر یعنی چه؟

می کند که البته این نظریه نامعقولی است.

«هیچ کس چون در تجربه افتد نگوید خدا مرا تجربه می کند... او هیچ کس را تجربه نمی کند. هرکس در تجربه می افتد وقتی شهوت، وی را می کشد و فریفته می سازد» (یع ۱: ۱۳-۱۴). به علاوه به نظر می رسد عبارت ما را در آزمایش میاور برای این بیان شده تا از خدا بخواهیم که هر آزمایشی را از ما دور سازد؛ این رویای یک زندگی بدون حضور شریر و گناه می باشد.

تجربه و آزمایش

کلمه یونانی که در این جا آزمایش ترجمه شده است به مفهوم تجربه نیز می باشد و در عهدعتیق هر دو معنی یافت می شود. آزمایش مفهومی منفی دارد و می تواند به معنی کشیده شدن به سوی گناه و اغوای شریر باشد اما تجربه بیشتر مفهومی مثبت دارد مثلاً در یک امتحان، تجربه همان مشکلی است که به شخص امکان بروز قابلیت هایش را می دهد و یا او را برای بیرون آمدن از آن امتحان کمک می کند. خدا به این مفهوم، ابراهیم را امتحان کرد تا شاهد ایمان بی چون و چرای او باشد (پید ۱: ۲۲). باز خدا بنی اسرائیل را امتحان می کند: «تا بدانند که یهوه خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان خود محبت می نمایند» (تث ۱۳: ۴) یا ایوب که پس از تکفیر به ایمان خالصی می رسد. برعکس هنگامی که امتحان به بدی کشیده و تبدیل به گناه می شود از آزمایش (وسوسه) سخن می رود و نیز از گرایش به سوی بدی، به عنوان مثال مرد و زن که توسط مار اغفال شدند (پید ۳)، و یا بنی اسرائیل که به محض برخورد با مشکلات در صحرا در برابر خدا طغیان کردند.

عیسی، همانند تمام معاصران خود قانع شده بود که تمام بیماری های روحی و روانی عمل ارواح شریر و ناپاک می باشند و برای شفای این بیماری ها او همین ارواح ناپاک و خبیث را خطاب می کند: «ای روح گنگ و کرم من تو را حکم می کنم از او درآی و دیگر داخل او مشو» (مر ۹: ۲۵). «هرگاه به انگشت خدا دیوها را بیرون می کنم هر آینه ملکوت خدا ناگهان بر شما آمده است» (لو ۱۱: ۲۰). این رهایی چیزی جز عطیه روح القدس نیست که پدر آسمانی مایل است آن را به هر که از او سؤال کند، بدهد (لو ۱۱: ۱۳).

* * *

شریر یا شرارت؟

آیا هر دو یک چیز یا یک شخص می باشند؟ کتاب مقدس از شیطان سخن می گوید که بیش از هر چیز یک نام خاص است اما پیش از آن یک مدعی و شاکی (ایوب ۱: ۶). او دشمن خدا و انسان است.

وجود این نیرو که سعی دارد با تفرقه اندازی در میان انسانها بدی نماید ثابت شده است، که او سعی دارد انسان را رو در روی خدا قرار دهد. زبان نمادین و افسانه ای تنها می تواند این نیروی فوق انسانی را که خدا نیست تعریف کند. حضرت پولس حتی از سرّ بی دینی که الان عمل می کند سخن می گوید (۲-تسا ۲: ۷). عیسی در امثالش، اعمال شریر را به کمک استعاره توضیح می دهد: «چون مردم در خواب بودند دشمنش آمده در میان گندم، کرکاس ریخته برفت» (مت ۱۳: ۲۵) «کسی که کلمه ملکوت را شنیده آن را نفهمید شریر می آید و آنچه در دل او کاشته شده است می رباید» (مت ۱۳: ۱۹).

ما را رهایی ده

شریر تنها یک تصور ساده نیست و برای عیسی یک دشمن است که بی وقفه علیه او مبارزه می کند. از زمان روبه رو شدن با او در صحرا (لو ۴: ۱، ۱۳) تا ساعت احتضارش (به زبان یونانی: مبارزه) حضور او را در پس تمام شکل های بدی و رنج هایی که کشید می توان بازشناخت. او به تبی که مادر زن پطرس را بستری کرده بود نهیب می زند (لو ۴: ۳۹) و نیز بر دریای خشمگین که می توانست قایق را در خود فرو برد (مر ۴: ۳۹)؛ او می دانست که زن رنجور را شیطان مدت هیجده سال تا آن حال بسته بود (لو ۱۳: ۱۶).

پییر کریسولوگ Phierre Chrysologue

(اسقف راون، متوفی به سال ۴۵۰)

چه چیزی عجیب تر است، این که خدا خود زمینی شود یا این که ما را آسمانی سازد؟ این که جسم ما را بگیرد یا این که ما را از مرگ برخیزاند؟ که خود در قید شما متولد شود یا این که شما را در زمره فرزندان خود تولید کند؟ که خود تابع فقر و نداری شما شود یا شما را وارثان خود سازد، تنها وارثان خود؟

یقیناً هراس انگیزترین اتفاق زندگی انتقال از زمین به آسمان است، تبدیل انسان توسط الوهیت و این که ما از مقام بندگی و غلامی به پادشاهی برسیم. ای فرزندان کوچک بیابید به سوی آن جا که ملاطفت ما را فرا می خواند آن جا که محبت ما را سوق می دهد آن جا که جوشش قلبمان ما را می برد. خدا پدر ماست. پدری که باطناً او را احساس می کنیم که صدایمان طنین نام او را منعکس می سازد، که نفسمان اعلامش می دارد. باشد که تمام وجودمان پاسخگوی لطف باشد و نه ترس. او که خود را از داور به پدر مبدل ساخته می خواهد او را دوست بداریم و نمی خواهد که از او بترسیم.

* * *

دو پدر کلیسا از پدر ما سخن می گویند

سیپریان

(اسقف کارتاز که به سال ۲۵۸ شهید شده است)

دعای ما دعای عمومی و جماعت است به هنگام دعا ما تنها برای یک شخص دعا نمی کنیم بلکه برای تمام قوم دعا می کنیم چرا که ما با تمام قوم یک هستیم. خدای صلح و سرور اتحاد، که اتحاد و یگانگی را به ما تعلیم می دهد خواست که هر کس برای همه دعا کند همان طور که او خود، ما را متحد ساخته است... خدایی که همه پیروانش را در خانه اش گرد آورد، خانه های ابدی خود را جز به آنانی که در جمع با هم دعا می کنند نمی دهد.

«پدر ما». خداوند چقدر رحیم و رؤوف است که می پذیرد ما این گونه دعا کرده او را پدر بنامیم. در میان ما هیچ کس جرأت نمی کرد از این کلمه در دعا استفاده کند و لازم بود که خداوند ما را تشویق به این کار نماید. اما برادران عزیز باید به یاد داشته باشیم که برای پدر نامیدن خداوند ما نیز باید رفتار و کردار پسران خدا را داشته باشیم. اگر قرار است که ما مورد پسند و توجه خدا قرار گیریم اول باید مورد پسند برادران خود باشیم. ما باید معبد خداوند باشیم محلی که مردم حضور خداوند را در آن حس کنند. کردار و رفتار ما نباید برخلاف انتظار روح باشد...»

«نام تو مقدس باد» این خواسته نه به این منظور است که ما می خواهیم خدا به وسیله دعای ما تقدیس شود بلکه از او می طلبیم که نامش در ما تقدیس یابد. ما می خواهیم حال که توسط تعمید، تقدیس شده ایم آن را برای همیشه حفظ نماییم و این را هر روز می طلبیم چرا که هر روز خطا می کنیم اما باید از خطاهای خود و گناهان خود توسط یک تقدیس دائمی پاک شویم... و برای این منظور به دعا توسل می جوئیم... تا مگر این تقدس را و حیاتی را که مدیون الهویت او می باشیم حفظ نماییم.

* من پدر اسرائیل هستم و افرایم نخست زاده من است... افرایم پسر عزیز من یا ولد ابتهاج من است (ار ۳۱:۹، ۲۰).
 * به درستی که تو پدر ما هستی اگرچه ابراهیم ما را نشناسد و اسرائیل ما را به جا نیاورد اما تو ای یهوه پدر ما و ولی ما هستی و نام تو از ازل می باشد (اش ۶۳:۱۶).
 * ای خداوند تو پدر ما هستی ما گِل هستیم و تو صانع ما هستی و جمیع ما مصنوع دست های تو می باشیم (اش ۶۴:۷).
 * پسر پدر خود را و غلام آقای خویش را احترام می نماید پس اگر من پدر هستم احترام من کجاست؟ و اگر من آقا هستم هیبت من کجاست؟ یهوه صباپوت با شما تکلم می کند (ملا ۱:۶).
 * آیا جمیع ما را یک پدر نیست؟ آیا یک خدا ما را نیافریده است؟ پس چرا... به یکدیگر خیانت می ورزیم؟ (ملا ۲:۱۰).
 * بر ایشان ترحم خواهم نمود چنان که کسی بر پسرش که او را خدمت می کند ترحم می نماید (ملا ۳:۱۷).

دیگر کتاب ها

* از رحم بر تو انداخته شدم از شکم مادرم خدای من تو هستی (مز ۲۲:۱۱).
 * پدر یتیمان و داور بیوه زنان خداست در مسکن قدوس خود (مز ۶۸:۶).
 * او (داود) مرا خواهد خواند که تو پدر من هستی خدای من و صخره نجات من (مز ۸۹:۲۷).
 * خداوند هر که را دوست دارد تأدیب می نماید مثل پدر پسر خویش را که از او مسرور می باشد (امث ۳:۱۲).
 * در آن جا عظمت وی را بشناسانید وی را در برابر همه زندگان بسرایید

خدای پدر در عهدعتیق

شریعت

* به فرعون بگو خداوند چنین می گوید، اسرائیل پسر من و نخست زاده من است و به تو می گویم پسر مرا رها کن تا مرا عبادت نماید (خروج ۴:۲۲-۲۳).
 * در بیابان که در آن جا دیدید چگونه یهوه خدای تو مثل کسی که پسر خود را می برد تو را در تمامی راه که می رفتید بر می داشت تا به این جا رسیدید (تث ۱:۳۱).
 * پس در دل خود فکر کن که به طوری که پدر پسر خود را تأدیب می نماید یهوه خدایت تو را تأدیب کرده است (تث ۸:۵).
 * آیا خداوند... پدر و مالک تو نیست او تو را آفرید و استوار نمود (تث ۳۲:۶).
 * به صخره ای که تو را تولید نمود اعتنا ننمودی و خدای آفریننده خود را فراموش کردی (تث ۳۲:۱۸).

انبیا

* من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود (۲- سمو ۷:۱۴).
 * هنگامی که اسرائیل طفل بود او را دوست داشتم و پسر خود را از مصر خواندم (هو ۱۱:۱).
 * آیا از این به بعد مرا صدا نخواهی کرد که ای پدر من، تو یار جوانی من بودی (ار ۳:۴).
 * مرا پدر خواهی خواند و از من دیگر مرتد نخواهی شد (ار ۳:۱۹).

دیدگاه‌های امروزی در رابطه با دعای

ای پدر ما

الوهیت که مایل نبود کلمه را تنها نزد خود نگه دارد مأموریتی برادرانه به او محول نمود، مأموریتی که او را به این تن گیری بی همتا نیز کشاند... پدر آسمانی آنچه را که والدین آرزو دارند به فرزندان نشان تقدیم نمایند به عیسی نداد؛ خدا او را پسری برای پدرش ننمود بلکه او را وارد یک زندگی فقیرانه و پردردسر نمود که تا مرگ بر صلیب نیز کشیده شد و البته به این دلیل که شکوهی که برای وی در نظر گرفته بود شامل ایمان داران نیز باشد. این تعلیم ارزش رنج تحصیل را دارد. به خصوص که آدمی همواره در برابر یک پدیده بدیع تعجب زده می شود و این پدیده دورنمای مطیع ترین پسر و در عین حال آزادترین پسر می باشد.

خدا چگونه پدری برای ماست؟ با پدر نامیدن او چه انتظاراتی داریم؟ دعای ای پدر، دعای پسران حقیقی است یعنی دعای تمامی آنانی که همان را از پدر می خواهند که عیسی می خواست.

حتماً با روش والدینی که هدیه ای به فرزندشان می دهند و بعد می پرسند: «حالا چه باید بگویی؟... متشکرم...» آشنا می باشید. در این صورت کار ایشان بیشتر یک نوع داد و ستد است تا هدیه دادن. این داد و ستد همواره بین نسلها رایج بوده است. ما نسبت به نسل قبل ابراز قدردانی می کنیم به این امید که نسل بعد هم همین کار را در قبال ما انجام دهند. البته تنها به این خاطر که از خود گذشتگی معنی خود را از دست داده است و روابط ما با نسل قبل و بعد از خودمان به این شکل درآمده اما اگر چنانچه با تمام وجود چیزی را ببخشیم یا بدهیم دیگر احتیاجی به تشکر نخواهد بود و شخصی که هدیه را دریافت می کند آزاد خواهد بود تا آزادانه تشکر کند و از ته قلب سپاسگزاری نماید.

زیرا وی خدا و خداوند ماست وی برای همه قرن ها پدر ماست (طوبیاس ۴:۱۳).

* اما ای پدر این مشیت توست که دریا را درمی نوردند زیرا تا به دریا راهی کشیده ای و در امواج راههایی مطمئن (حکمت ۳:۱۴).

* خداوندا، پدر و قادر مطلق، زندگانی من را به پندار آن (سخنان) رها مکن مگذار که آن سخنان مرا بر زمین زنند (بن سیراخ ۱:۲۳).

* خداوندا، پدر و خدای زندگانی من، مرا شوخ چشمی عطا مفرما (بن سیراخ ۴:۲۳).

* نام خدا، پدر، خدای خود را بردم «در روزهای مصیبت مرا ترک مکن به روزگار متفرعنان که من بی کس هستم همواره نام تو را ستایش خواهم کرد و آن را در سیاسی سرخواهم داد» (بن سیراخ ۱۰:۵۱).

* * *

یادداشت‌هایی برای تعمق

خدای پدر در عهد عتیق

در مقاله خدای پدر در عهدعتیق که چند صفحه قبل آن را مورد مطالعه قرار دادیم شما توانستید تمام متون عهدعتیق را که خدا در آنها «پدر» نامیده یا به یک پدر تشبیه شده بود را ببینید. این شاخص کاری امکان ریشه یابی دعای ای پدر ما را در عهدقدیم ممکن می‌سازد.

موضوع پدر بودن خدا در کتاب مقدس به مطالعه بخشهایی که او خود مستقیماً سخن می‌گوید محدود نمی‌شود. حقیقت این امر می‌تواند به صورت دیگری نیز تشریح شود، برای مثال وقتی که کتب مختلف کتاب مقدس از بنی اسرائیل همانند «پسران» یا «فرزندان» خدا سخن می‌گویند.

به تابلوی خدای پدر در عهدعتیق توجه کنید:

در ابتدا نقل قول‌ها را به دو گروه تقسیم نمایید.

- آن‌جا که خدا پدر نامیده شده

- آن‌جا که خدا به یک پدر تشبیه شده

* در رابطه با گروه اول (خدا پدر نامیده شده) متون را به سه گروه تقسیم کنید.

- آن‌جا که خدا خویشان را پدر نامیده (در کدام کتب؟)

- آن‌جا که انسان خدا را پدر می‌نامد

- آن‌جا که انسان به حضور پدر دعا می‌کند.

* پسر در هر کدام از این نقل قول‌ها کیست؟

موضوع پدر بودن الهی در سه قسمت از عهدعتیق ذکر شده البته نه به یک اندازه. باید قبول داشت که در تورات نامی از او برده نشده است (تنها اشاراتی به بنی اسرائیل به عنوان پسر شده به عنوان مثال خروج ۴: ۲۲-۲۳). در کدام

با خدا سخن گفتن به عنوان یک پدر، به یاد آوردن امکان یک چنین ارتباط کاملی است. مطمئناً پدر نامیدن خدا غالباً وابسته به این حقایق است که او به ما حیات بخشیده، ما را آفریده، اوست که قومی را تولید می‌کند یعنی قوم خودش را. البته به نظر می‌رسد که همه این حقایق زمانی مفهوم می‌یابند که قدرت خدا را در بخشیدن تمام این نعمت‌ها به صورت رایگان درک نماییم. از این‌جا درمی‌یابیم که خدا برای شکر نعمت به انسان آزادی داده است و در نتیجه امکان حضور خدا در جهان تسلیم دست انسان شده است.

حتی چنانچه انسان خدا را برای نعمت‌هایش شکر نگوید باز عمل بازگشت ناپذیری که توسط آن خدا به انسان حیات و هویت می‌بخشد تغییری نخواهد کرد. خدا از حق شناسی انسان انتقام نمی‌گیرد حتی به عکس ممکن است خدا تمام این‌ها را به فراموشی بسپارد. اما در عین حال ممکن است شایستگی انسان نیز تقلیل یابد و دیگر آن پسری نشود که خدا او را وارث خود ساخته بود. دعای ای پدر ما به نوعی راه یافتن به این جنبه انسان و خداست.

* * *

درحقیقت مثل‌های اناجیل نظیر هیچ‌گاه از خدای پدر سخن نمی‌گویند، بلکه یا در پایان مثل، از او نام برده شده است یا این که از یک پدر زمینی سخن به میان می‌آید که می‌توان خدا را در او بازشناخت. پیش از مطالعه مثل پسر گمشده، مثل‌هایی که این دو ویژگی را دارند مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱- از خدای پدر صریحاً نام برده شده است

* در مثل کرکاس ها: «آن‌گاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب درخشان خواهند شد» (مت ۱۳:۴۳).

* در مثل بره گمشده: «همچنین اراده پدر شما که در آسمان است این نیست که یکی از این کوچکان هلاک گردد» (مت ۱۸:۱۴).

* در مثل بدهکار بی‌رحم: «به همین‌طور پدر آسمانی من نیز با شما عمل خواهد نمود اگر هر یکی از شما برادر خود را از دل نبخشد» (مت ۱۸:۳۵).

* در مثل دوست سمج: «چند مرتبه زیاده‌تر پدر آسمانی شما روح القدس را خواهد داد به هر که از او سؤال نماید» (لو ۱۱:۱۳).

ببینید چگونه تمام این امثال دورنمایی از داوری را در خود جای داده‌اند. تمام آنها در رابطه با کلیسا و زندگی ایمان‌داران می‌باشند. عیسی در این امثال شاگردان را به چه دعوت می‌کند؟ کدام یک از درخواست‌های دعای ای پدر ما را در این امثال می‌بینید؟

۲- مثل‌هایی که از پدری زمینی سخن می‌گویند

* مثل پسری که بلی می‌گوید و پسری که جواب رد می‌دهد (مت ۲۱:۲۸-۳۲). آیه ۳۱ کدام درخواست دعای ای پدر ما را در ذهن شما تداعی می‌کند؟ به مشاجره‌ای که در این مثل آمده است خوب دقت کنید. ذیلاً در دو مثل دیگر

کتاب انبیا و کدام قسمت حکمت موضوع پدر بودن دیده نمی‌شود؟
* در این نقل قول‌ها کدام موضوعات به مسئله خدای پدر ربط داده شده‌اند:
خلقت، پیمان، تعلیم، وفا، محبت، بی‌وفایی و عدالت...؟

تعمق در مورد مسائل فوق

چند پرسش در مورد مسائل فوق

آیا به نظر شما موضوع پدر بودن خدا در عهدعتیق به صورت جدی بیان شده است؟

آیا در بیان و توضیح آن اهمال نشده است؟ به نظر شما این اهمال چه بوده است؟

* پدری الهی به چه ترتیب خود را نشان می‌دهد؟ چگونه می‌توان این پدر بودن خدای بنی اسرائیل را در چند جمله تشریح کرد؟ آیا هیچگونه پیشرفتی در شیوه سخن گفتن از خدای پدر از تورات تا کتب انبیا می‌بینید؟

* این نقل قول‌ها به چه تجربیات روحانی شهادت می‌دهند؟ آیا عقیده شما درباره پدری الهی با آنچه که این نقل قول‌ها می‌گویند یکی است؟ آیا عقیده شما با تمام این نقل قول‌ها مطابقت دارد یا با برخی از آنها؟ دوست داشتید کدام عقیده را حذف کنید؟ یا چه طرز فکری را بیفزایید؟

خدای پدر در امثال

عیسی، اغلب به منظور تعلیم شنوندگانش از مثل سود می‌جوید و آنها را توضیح می‌دهد: این شنوندگان ممکن است که از شاگردان یا مخالفان عیسی باشند. عیسی مایل است آنان را به نقطه اوج مثل یعنی مفهومی که در آن نهفته است سوق دهد تا گفتگوهای پرثمرتری با آنان داشته باشد.

۴- نتیجه

با تفکر در دعای ای پدر ما بسیار سهل است که به رابطه بین مثل‌هایی که خواندیم و روابط میان پدر و ایماندارانش یعنی همان فرزندان او پی ببریم. این موضوع را با درخواستی که برای آمدن ملکوت خدا و به اجرا در آمدن اراده پدر و بخششی که به خاصان خود عرضه می‌کند تا دریافت کنند و با یکدیگر تقسیم نمایند در می‌یابیم.

در انجیل متی شاهد مشاجرات مشابهی خواهیم بود: در این مثلها مخاطبین عیسی چه کسانی می‌باشند؟

مثل باغبانان سرکش (مت ۲۱: ۳۳-۴۴؛ مر ۱۲: ۱-۱۱؛ لو ۲۰: ۹-۱۸). در این مثل دو کنایه نهفته است (به خصوص در انجیل متی): به همان اندازه که پسر مورد نظر است باغبانان نیز مورد نظر هستند (مت ۲۱: ۴۳). توجه داشته باشید که پسر در انجیل مرقس ۱۲: ۶ و لوقا ۱۳: ۲۰ چگونه توصیف شده است. آیا این مثل بدو تعلیمی در مورد مسیح نمی‌دهد؟ آیا نمی‌توان همین نظریه را در مورد مثل بعدی نیز داد؟

* مثل جشن عروسی (مت ۲۲: ۱-۱۴؛ لو ۱۴: ۱۵-۲۵). همان تأکیدی را دارد که مثل قبلی در انجیل متی در مورد پسر داشت.

نشان دهید که این سه مثل طرح دقیقی از تاریخ نجات را ترسیم می‌نمایند به عبارتی در هر سه شخصیت یا (هر گروه شخصیتی) عهدی بین خدا و قومش توصیف می‌شود.

۳- مثل پسر گمشده و پدر پرشرفقت (لوقا ۱۵: ۱۱-۳۲) توجه داشته باشید که مخاطبین عیسی چه کسانی می‌باشند؛ این مثل نیز مانند دو مثل قبلی یک مورد خاص می‌باشد. دو برادر مجسم شده‌اند. رفتار پدر را نسبت به هر کدام مقایسه کنید. احترامش نسبت به آزادی هر کدام را توصیف نمایید. چه کسی قدم اول را برمی‌دارد؟ این مثل یکی از تألیفات مهم انجیل می‌باشد چرا که شفقت پدر نسبت به پسر گمشده و شادی او را از بازگشت گناهکار نشان می‌دهد. عیسی شخصاً این تجربیات را مثلاً با زکی (لو ۱۹: ۱-۱۰) داشته است. این مثل، ملکوت خدا را که عیسی با زندگی خود آن را گشوده است، حکایت می‌کند.